



پیتز جاب، رئیس
 خبرگزاری رویترز
 وقتی به ایران
 آمد و با روزنامه
 «ایران سپید»
 آشنا شد، فوراً با
 خبرگزاری خود
 تماس گرفت
 و خواست تا
 گزارشی از این
 روزنامه و روند
 فعالیت‌هایش
 تهیه کنند.
 همچنین رؤسای
 خبرگزاری‌های
 فرانسه، هند
 و انجمنی از
 روزنامه‌نگاران مصر
 هم در بازدیدهایی
 که داشتند، حتی
 اعلام همکاری هم
 کرده بودند

بود و این نقش منحصر به فرد این روزنامه را نشان می‌داد که هر روز در قامت «ایران سپید» خودنمایی می‌کرد. معنی در این خصوص می‌گوید: «در آن دوره هیچ رسانه‌ای در کشور عملاً به شکل تخصصی اطلاع‌رسانی در حوزه نابینایان را برعهده نداشت و اگر نشریاتی هم بودند عموماً نامنظم و غیر خبری منتشر می‌شدند، اما روزنامه «ایران سپید» خبری و روزانه بود و وظیفه اطلاع‌رسانی خبری در حوزه معلولان را برعهده داشت. از طرف دیگر جامعه نابینایان عموماً اسیر ادبیات شفاهی و غیرعلمی و غیردقیق و آکنده از شایعات و شائبه‌ها هستند، در صورتی که این روزنامه اخبار ویژه نابینایان را پالایش و اخبار تخصصی و موثق را منتشر می‌کرد، بنابراین خبرهایش، خبرهای قابل اتکا و موثق در حوزه نابینایان بود. همچنین قابلیت دیگر «ایران سپید» که در سال‌های بعد وزن بیشتری گرفت، رساندن صدا و نیازهای جامعه هدف به مسئولان کشوری بود که به طور دقیق تنها رسالت اختصاصی این روزنامه بود و موجب شد بسیاری از نیازهای نابینایان به مسئولان منتقل شود. از جمله تجلیات این قابلیت منحصر به فرد، نقشی بود که «ایران سپید» از طریق کیوان مهرگان خبرنگار پارلمانی‌اش در ایجاد آگاهی در نمایندگان مجلس وقت برای تدوین و تصویب «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» داشت و در نهایت سال ۱۳۸۳ منجر به تصویب این قانون شد. از این گذشته «ایران سپید» اقدام به تهیه و تدوین ستون‌های تخصصی حوزه نابینایان کرد که موجب شد جامعه روزافزونی از مخاطبین نابینا به جمع خوانندگان این روزنامه اضافه شوند که دستاوردهای قابل توجهی در افزایش سطح آگاهی جامعه نابینایان، شکل‌گیری هویت جمعی در میان آنها برای بیان مطالبات‌شان و افزایش سطح گفتمان مطالبه‌گری با مسئولان دولتی شد.»

واقعیت این است که خاص بودن «ایران سپید» باعث شد تا مدت‌ها در صدر اخبار و بازبدهای مسئولان داخلی و خارجی قرار داشته باشد، موضوعی که وردی‌نژاد هم بر آن صحنه می‌گذارد. وی بازتاب‌های وسیعی را که خبر انتشار این

اتفاق افتاد که در نتیجه چاپ در قالب یک روزنامه «یک‌رو» بریل و آن هم سه روز در هفته آغاز شد، «حرکت «ایران سپید» پرشتاب آغاز شد و در عرض یک سال تبدیل به یک روزنامه به معنای اخص آن شد، تعداد صفحات به ۱۲ صفحه افزایش پیدا کرد، چاپ از چاپ بریل یک‌رو به چاپ دو رو و از ماشین‌های چاپ غیرتخصصی بریل به ماشین‌های چاپ بریل منتقل شد و کیفیت آن هم ارتقا پیدا کرد. به گفته معینی «از طریق قراردادی که میان مؤسسه ایران و سازمان بهزیستی در همکاری برای چاپ این روزنامه صورت گرفت، چاپخانه رودکی - چاپخانه تخصصی سازمان بهزیستی - روزنامه را چاپ می‌کرد. همچنین سازمان بهزیستی هزینه آونمان تعداد زیادی از مشترکین را به عنوان کمک به انتشار روزنامه پذیرفت. بنابراین روزنامه رایگان در اختیار این دسته از مشترکین قرار می‌گرفت و هزینه‌های روزنامه شامل هزینه تحریریه و کادر خبری و آماده‌سازی روزنامه تا مرحله ارسال فایل برای چاپ و همین‌طور هزینه‌های توزیع روزنامه برعهده مؤسسه ایران بود.»

خط بریل خط حجیمی است و شش نقطه‌ها فضای زیادی می‌خواست، برای همین سبک جدیدی از خیر و گزارش نویسی در «ایران سپید» طراحی شد. تیتراهای سه‌کلمه‌ای و تأکید بر ایجاز مطالب از مهم‌ترین نکات سبک خبرنگاری در این روزنامه بود که کار را برای خبرنگاران آن مشکل‌تر می‌کرد چراکه باید مهم‌ترین خبرها و گزارش‌ها در کوتاه‌ترین حد ممکن با نثری روان و شیوا به مخاطب عرضه می‌شد.

◀ ویتترین فرهنگی روزنامه ایران

پس از آغاز انتشار روزنامه، نقش‌آفرینی آن هم به عنوان یک رسانه آغاز می‌شود. «ایران سپید» از نظر شاخص‌های عمومی تابع سیاست‌های روزنامه ایران بود، اما با توجه به نیازهای جامعه هدف، روزنامه مسیر دومی از اطلاع‌رسانی را برعهده داشت که آن اطلاع‌رسانی تخصصی در حوزه نابینایان به طور خاص و پوشش اخبار حوزه افراد دارای معلولیت به طور عام